

و قایع بعد از مسبوط آدم تا هجرت

قدیم بیکشت آدمی هر روز از صحت بری میشدند و در قبیله می افتادند و تب میکردند و لا جرم سامری از مردم و مردم از سامر
 که زبان بودند علی الجمله چون بنی اسرائیل از پرستش کوه ساله انجا رفتند و فسق در میان شرکین و موحیدین آشکار بود موسی فرمود
 تا آن کوه ساله را سوختن زده قراغه آنرا در آب ریختند و حکم کردند تا قوم از آن آب بنوشند هر کس آن کوه ساله پرستش کرده بود بر
 زبانش خالی زمین پدید شد و شرک از موجد جهان گشت آنگاه موسی فرمود تا بنی یوئی شمشیر را را بکشند و ایشان دو از ده
 هزار تن بودند پس حکم قار قار هوا تیره و تاریک شد و موسی در میان بنی یوئی بایستاد و گفت فَاَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ
 بِالْجَنَاحِ لَكُمْ فَتَذَكَّرُونَ پس از آنکه این کشته شدن بهتر است از زندگانی شما نزد آفریننده شما که کار را بر آن سرانجام پذیرا خستند
 و بنی یوئی بر آتشنا و پیکانه رحم نکردند و از باد و آتشگاه سه هزار تن از ایشان عرضه شمشیر ساختند آنگاه بمقاد قایب علیکم قلی بنی اسرائیل
 اِنَّ هَؤُلَاءِ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ لَكُمْ فَاَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ لَكُمْ فَاَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ لَكُمْ فَاَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ لَكُمْ
 و این علامت غفران بود پس بنی یوئی دست از کشتن برداشتند و قوم را بحال خود گذاشتند علی الجمله این چنانچه رخسار
 علیه السلام در طور بود و در بعین میقات کوئین چنانکه مذکور شد و درین مدت آنحضرت در طور همه وقت نشسته بود و هیچ طعام
 عروج موسی علیه السلام بطور سینا در اربعین شفاعت و طلب رویت خداوند هم سه هزار و شصت و نوبال علیه السلام
 چون یازده روز از اربعین میقات برگزشت از ترات جلال خطاب آمد که ای موسی بنی اسرائیل را برداشته روانه ارض کنعان
 باشش همان زمین که منج بابر اسیسم و اسرائیل و عن کرده ام لکن من در میان شما نخواهم بود و همراه شما نخواهم آمد زیرا که
 این قوم گردنکش و جبارند اکنون بوی نامیده و چهل حویب حاضر شده و هیلهای خود از تن پیرون کنند و زیور را بریزند تا یکفر اربعین هجرت
 کردار ایشانرا بملک سازم زلزله عظیم در میان بنی اسرائیل افتاد و دوشتی بزرگ روی نمود لکن با چار تمامت قوم در دامن چیل
 حویب جمع شده و هیلهها بر خستند و منتظر عذاب بایستادند حضرت موسی خیمه خود را دور از مردم پهای کرد و همه گاه داخل
 خیمه میشد و بوی خیمه میرفت قوم از عجب و کفران بودند تا گاه میدیدند مقارن دخول موسی بخیمه ست

